

دکتر سید علی موسوی

استاد زبان فارسی در دانشگاه دولتی هلند

در حاشیه سمینار

گفتار و بررسی در باره زبان فارسی

نخستین سمینار - ایراد مقالات مربوط به زبان فارسی که به کوشش انجمن استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی در این روزهای اخیر در تهران برگزار شد و اخبار آن از طریق رادیو و جراید به ما رسید گام مهم و ابتدایی بود که در راه بهبود آموزش و ترقی و توسعه زبان فارسی برداشته می‌شد. موضوع خلاصه گفتار برخی از گویندگان که در آن جلسات ایراد شده بود، در پاره‌ای از جراید که در اینجا به دست ما رسید درج شده بود و حکایت از انعکاس مطلوبی داشت که در اذهان مردم به جای گذاشته است. توفیق انجمن مزبور را در برداشتن گام‌های مفید و مؤثرتر در راه نیل به مقاصد خویش خواستاریم. و در عین حال به ذکر چند نکته که بنظر بی ارتباط بدان موضوع نیست مبادرت می‌نمایم، در این جلسات کم و بیش از همه چیز و به خصوص درباره جهات نقص آموزش زبان فارسی و طرق بهبود و کمال آن سخن به میان آمده و متخصصان فن عقاید و نظرات خود را ابراز داشته بودند که همه آنها در حد خود خالی از اثر و فایده نخواهد بود.

اما به يك مطلب که شاید بتوان آن را مهمترین عامل در وضع فعلی زبان و ادبیات فارسی دانست بکلی اشاره صریحی نشده بود. بلی این مطلب که شاید بیشتر گویندگان انجمن بدان وقوف داشته‌اند و نمی‌دانم به چه علت از آن غفلت شده بود اینست که متولیان امر خودشان در عمل ارزش و اعتباری برای زبان و ادبیات فارسی قائل نیستند و حتی موجبات تضعیف و انحطاط آن را عملاً به دست خود فراهم می‌آورند. از قدیم گفته‌اند احترام امام زاده بدست متولی است. اگر متولی حرم خودش بدان احترام نهد و برای آن قدر و ارزشی قائل نباشد نمی‌توان انتظار داشت که دیگران بدان احترام بگذارند.

باری به این مطلب در سخنان آقای دکتر صدیق اعلم مختصر اشارتی شده بود ولی آن طوری که باید و شاید نه از طرف دیگران تایید و دنبال شده بود و نه از جانب خود ایشان راهی برای رفع نقیصه مزبور ارائه گردیده بود. بهر حال این بنده می‌خواهد به چند مورد که خود با آنها در گذشته و حال برخورد و تماس داشته‌ام و نوع آن برای دیگر معلمان فراوان وجود داشته است و در آن محفل بدانها اشارتی نرفته یا در جرایدی که به دست ما رسیده انعکاسی نداشته است در اینجا اشاره نمایم:

۱- اول اینکه خود من همواره در طول حیات معلمی مورد بی‌مهری و احیاناً سرزنش و حتی مورد مجازات غیر مستقیم به اتهام سخت‌گیری و خشک و مقرراتی بودن در امتحان

و تدریس قرار گرفته‌ام . در يك مورد به خاطر دارم كه اولیای دانشكده بدون عذر و موجبی و تنها به گناه پای بند مقررات بودن مرا از تدریس در يك كلاس معاف كردند البته بدون اینکه قبلا به من اطلاع داده باشند . و تنها وقتی در ساعت مقرر برای تدریس رفتم ناگهان دیدم شخص دیگری که وعده معلمی به او داده شده بود به دستور اولیاء امور قبل از وقت كلاس را اشغال کرده بود و همان درس مرا به همان شاگردان تدریس می کرد . این امر قطع نظر از اینکه خلاف ادب و نظامات دانشگاهی بود ، از این جهت آزار دهنده بود که پس از تحقیق معلوم شد که هم اولیاء امور و هم دانشجویان همه می دانستند که مرا تنها به گناه جدی بودن در درس از تدریس معزول کرده اند .

۲- مورد دوم که به واقع يك مجازات یا جریمه مالی - پول داغ - بود ، اینکه بنده در گذشته در بخش زبان فارسی برای خارجیان چند ساعتی تدریس می کردم و چون خارج از کار دولتی من بود اجرت - زبان مزدی - می گرفتم . نمی دانم به چه علت مورد بی مهری متصدی امر قرار گرفتم و مرا از تدریس در آن بخش معاف کردند . وقتی از علت آن جويا شدم گفتند شما با دانشجویان تفاهم ندارید . من هیچگاه تا به هلند نیامده بودم معنی تفاهم نداشتن با دانشجو را نفهمیده بودم . در اینجا بود که در یکی از جراید یومیه هلند مقاله به امضای یکی از دانشجویان خارجی دانشگاه تهران دیدم که نوشته بود: سطح آموزش در دانشگاه تهران بسیار پایین است و به کیفیت آموزش چندان توجه نمی شود و با برقراری يك آشنایی مختصر مثلا با يك سلام و عليک گرم می توان از عهده آزمایش مقرر بر آمد . بی گمان نویسنده در نوشته اش کاملا بی غرض نبود و جواب کافی و لازم به وی داده شد . ولی بهر حال این نوشته حاکی از این است که تفاهم داشتن با دانشجو - که بنده متهم به نداشتن آن بودم - به معنی سهل انگاری و باری به هر جهت درس و نمره دادن و دانشجو را در امتحان پذیرفتن است .

۳- مطلب سوم اینکه در نشر و رواج دادن مطبوعات و نشریات فارسی اعم از جریده و کتاب و غیره در خارج ایران کوششی به عمل نمی آید بلکه مسامحه نیز می شود - البته این امر مربوط به ناشرین و احیاناً مشکلات پستی است چنانکه مثلا قریب یکسال است که مؤسسه فارسی این دانشگاه تعدادی کتاب و نشریه از مؤسسات رسمی و بنگاه های انتشاراتی به عنوان خریدار درخواست کرده و تاکنون به ما نرسیده است - در حالیکه در این مدت که در هلند به سر می برم همواره ماهی یکبار فهرست انتشارات بیشتر مؤسسات انتشاراتی از طرف خود آنها و بدون درخواست از طرف ما برایمان فرستاده می شود ولی از انتشارات ایران جز آن چه استثناء درپاره ای از این کاتولک های مزبور دیده می شود هیچ اثر و نشانی نیست و هیچ نشریه متکفل این مهم نیست .

۴- مطلب دیگر که از هر چیز دیگر بیشتر ارزش و اعتبار زبان فارسی را در نظر دانشگاه معلوم می دارد ، مقررات خاصی است که برای ترفیع اعضاء آموزشی وضع کرده اند . یکی از شرایط ارتقاء به موجب این مقررات اینست که باید عضو آموزشی مقاله یا مقالاتی به زبان غیر فارسی در یکی از مجلات خارجی که البته جنبه بین المللی داشته باشد چاپ و منتشر بنماید . قطع نظر از اینکه اگر بررسی شود معلوم خواهد شد که این مقررات در عمل یا به اصطلاح

در پیاده کردن هیچگاه کلیت و شمول نداشته و تنها در موارد خاصی بدان استناد می‌شود و در اغلب ترفیعات بدون احراز این شرط و احیاناً بدون سایر شرایط به عمل می‌آید و حتی خود هیأت ممیزان بدون احراز این شرط به مقامهای استادی و ممیزی نایل شده‌اند، اصولاً این (ماده پنج) حاکی از آنست که اگر رعایت شود عضو آموزشی به فرض صدها اثر علمی و تحقیقی هم به زبان فارسی داشته نمی‌تواند ارتقاء به مقام بالاتر پیدا کند. آیا این جز بدین معنی است که زبان فارسی نه تنها در نظر دانشگاه و مؤسسات آموزشی بلکه در نظر قوه مقننه و مجریه که واضع و مجری قانون مزبور هستند ارزش و اعتباری ندارد و آن را زبانی علمی نمی‌شناسند؟ این جز بدین معنی است که زبان فارسی آن رشد و کمال را ندارد که بتوان مطالب علمی و تحقیقی با آن نوشت؟ آنچه از نظر عقل و منطق به نظر صحیح می‌رسد آنست که ملاک ارتقاء به مقام بالاتر، رشد و پیشرفت علمی و داشتن آثار نوشته علمی و تحقیقی باشد نه چاپ و انتشار، آن هم به زبان غیر فارسی.

آیا اصولاً چاپ کردن کتاب و مقاله هر چند شامل تحقیقی علمی نباشد نشانه دانش مؤلف است؟ آیا همه آثاری که به نام افرادی خاص منتشر می‌شود خود آنان نویسنده و آفریننده آن بوده‌اند؟ آیا نشانه رشد و پیشرفت علمی تنها داشتن اثر مطبوع است؟ پس دانشمندان و محققان در گذشته پیش از پیدایش فن چاپ هیچکدام عالم نبوده‌اند. از این گذشته ما در تاریخ به شخصیت‌هایی برمی‌خوریم که اصلاً اثری کتبی از خود به جای نگذاشته‌اند مانند ابوسعید - امی الخیر . یا تنها يك رساله کوچک به جای گذاشته‌اند که همان سبب شهرت جهانی آنها شده است مانند « ابن طفیل » که تنها رساله کوچک « حی ابن یقظان » از او در دست است. و همچنین بسیاری از دانشمندان سلف و حتی مقاربین عصر خود ما مانند جلوه و غیره .

نکته دیگر اینکه مقررات مزبور بدین معنی است که اعضاء آموزشی عملاً کارهای تحقیقی را کنار بگذارند و مدتی در فرا گرفتن و یا تکمیل يك زبان خارجی صرف وقت کنند و طبعاً این مدت طولانی خواهد بود، زیرا نوشتن مقالات علمی حتی به زبان مادری نیاز به تحصیلات عالی در همان زبان دارد. و به همین جهت در کشورهای غربی آثار مصنفان که به زبان مادری تألیف شده است قبل از چاپ از لحاظ فصاحت لفظی به وسیله متخصصانی که برای همین منظور تربیت شده‌اند بررسی و اصلاح می‌شود. ولی متأسفانه بیشتر آثار منتشره به زبان فارسی چون بدون این نوع بررسی‌ها به چاپ می‌رسد خالی از نقص نگارش نیست، و این خود یکی از اقدامات مفیدی است که در راه تهذیب و اصلاح زبان فارسی باید عملی شود و در سمینار بدان اشاره نشده بود و امید است در آینده مورد توجه قرار گیرد.

باری زبان فارسی با این وضع هیچگاه کمال از دست رفته خود را باز نخواهد یافت و هر جوان و طالب علمی کوشش خود را در فرا گرفتن يك زبان خارجی بکار خواهد برد تا به مقامی که از نظر دانشگاه علمی است برسد و از مزایای آن بهره‌مند شود. بنابراین به امید این نشست که با شرایط موجود زبان فارسی به مقامی که شایسته آنست برسد چنان می‌ماند که به امید بردادن درخت بید بسر بردن .

۵- پنجم یا آخرین نکته که می‌خواستم یاد آور شوم، به کار بردن کلمه « سمینار »

برای این جلساتی است که به منظور مذاکره و بررسی يك موضوع علمی است می‌باشد . آیا این کلمه فارسی است ؟ از آنجاکه در زبان شناسی لغات مانند دیگر مواضع علمی چیزی بار بنده نیست نمی‌دانم کله ریشه در زبان‌های فارسی دارد یا نه . ولی این مقدار مسلم است که استعمال آن در زبان فارسی در این اواخر از زبان‌های اروپایی گرفته شده است و معنی آن برای بیشتر افرادی که از لحاظ معرفت در حد بنده هستند معلوم نیست و باید به فرهنگ‌های خارجی مراجعه کنند . با این وصف بهتر نبود اگر جلسات مزبور را که به خصوص برای تهذیب زبان فارسی بر گزار می‌شد تحت عنوان دیگری از قبیل جلسه مناظره یا جلسه بررسی و گفتگو ، در ... خوانده می‌شد . به هر حال جلوگیری از ورود کلمات بیگانه که می‌توان کلمه فارسی مترادف آن پیدا کرد وسیله مؤثری در تهذیب زبان و بی‌نیاز ساختن آن از کلمات غیر ما نوس خارجی است .

این بنده مطمئن است که دانشمندان بر گزار کننده این جلسات به خصوص دوست بسیار ارجمند آقای دکتر محقق از این خرده گیری‌های غیر محققانه نخواهند رنجید ، زیرا خود به خوبی می‌دانند قصدم جز این نیست که بدین وسیله در کوشش‌های آن انجمن که خود عضو وابسته آن هستم من غیر مستقیم شرکت کرده باشم .

مجلهٔ یغما - استاد دکتر سید علی موسوی استاد یار دانشگاه طهران چند سالی است در دانشگاه دولتی هلند ادبیات فارسی را تدریس می‌فرماید ، وی جوانی است با خرد پیران ، در ادب فارسی و عربی و انگلیسی کم مانند است چون در حکمت و فلسفه و منطق نیز متبحر است با منطقی قوی و مستند با آهستگی و تأمل سخن می‌گوید ، چنان که بر استدلال او انگشت نمی‌توان نهاد .

اعتراضی که به استاد دارم این است که با همهٔ لطفی که به مجلهٔ یغما و اصحاب چارشنبه دارد ، کم می‌نویسد و افاضه نمی‌بخشد و این نخستین مقالهٔ اوست . خداوند تعالی بر عمر و همت استاد ما بیفزاید که وجودی است مبارک و معتنم .

رباعی

خواهی که به چشم سر چنان را بینی و آن قدرت حی لا مکان را بینی
از صدق قدم بند بدر بار رضا (ع) تا آنچه بوهم ناید آن را بینی

مشهد - غلامحسین صبوحی یغمائی